

# کهن الگوی شیر

## در ایران، میانرودان و مصر باستان

صدرالدین طاهری\*

استادیار گروه موزه‌داری، دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.  
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۹/۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۱۱/۹)

### چکیده

این نوشتار تلاش دارد با نگاهی بر اساطیر و باورها و نیز نقشمایه‌های به جای مانده بر روی آثار هنری، کهن الگوی شیر را در هنر ایران، میانرودان و مصر تا آغاز دوران هخامنشی (هنگامه یکی شدن این فرهنگ‌ها) پیگیری کند، و در این راه با پژوهشی کتابخانه‌ای و موزه‌ای، به پی‌جویی تطبیقی و تحلیلی ارتباط میان این فرهنگ‌ها بپردازد. شیر در اندیشه مردمان خاور باستان همواره نماد شهریاری و دلاوری است. نماد سلطنت و نشانه شجاعت. در آثار هنری کنار پادشاهان ایستاده و تندیسش بر گور دلیرمردان می‌نشیند. سریر ایزدان توان بر دوشش و تخت شاهان بر پنجه اش استوارند. شیر بر در نیایشگاه‌ها به نگاهبانی می‌ایستد و نقشش کنده شده بر سنگ، چون نیرویی محافظ به گردن آویخته می‌شود. شیر از مهم‌ترین بن‌مایه‌ها در آیین مهر و نماد رده چهارم این دین است. شیر آسمانی نشان تابستان است و سرشتی آتشین دارد. در اخترشناسی برج شیر خانه خورشید است و این دو چنان در هم می‌آمیزند که نقش شیر و خورشید به نماد شاهنشاهی ایران بدل می‌گردد. در کنار بررسی اندیشه دیگر پژوهشگران، شیر گاو شکن را نشانه سپیده دم یا نوروز می‌دانیم.

### واژه‌های کلیدی

شیر و خورشید، شیر گاو اوژن، تندیس شیرسر مهری، برج شیر.

## مقدمه

در این سرزمین از یکدیگر به گونه ایست که بررسی هر کدام از آنها به تنهایی نمی تواند روشنگر مفهوم یک بن مایه باشد. گستره تاریخی آثار موزه ای گردآمده و بررسی شده در این نوشتار تا پایان دوره آهن (سده ششم پ.م) را دربرمی گیرد، چرا که پس از آن با برپایی امپراتوری هخامنشی سبک های هنری خاور باستان در چارچوب هنر رسمی و فرانژادی هخامنشیان با یکدیگر ادغام می گردند. پی جویی این بن مایه در هنر دوران تاریخی و اسلامی ایران نیازمند مجالی دیگر است. همچنین این نوشتار تنها به بررسی مفهوم نمادین شیر پرداخته و آثار نشانگر شکار شیر، شیردال یا شیر بالدار مدنظر نبوده اند.

انسان با گرایشی که به نمادآفرینی دارد، ناخودآگاه شکل ها را تغییر می دهد تا رنگی دینی یا هنری یابند (یونگ، ۱۳۷۸، ۳۵۲). در فرآیند مهاجرت نمادها میان ملت ها، لازم نیست تا تمام مفاهیم سسپوره ای مرتبط با هر نماد نیز منتقل و پذیرفته شوند (GOD-let, 1894, 140). بسیاری از نمادها در میهن جدید خود میان اندیشه های کهن مردمان حل شده و کارکرد و مفهومی تازه می یابند. برخی از نمادها اما به هنگام مهاجرت در کنار فرم، انگاره ها را نیز با خود به همراه می برند. اکنون به بررسی کهن الگوی شیر در میان فرهنگ های ایران، میانرودان و مصر باستان می پردازیم که در ارتباط با یکدیگر و گاه همگرا و پیوسته اند. و امداری فرهنگ های گوناگون ساکن

## ۱. شیر در اندیشه ایرانی

۱-۱. شیر نماد شهریاری و دلاوری: شیر همواره از مهم ترین کهن الگوها در میان ایرانیان به شمار آمده است. در ایران شیر که همیشه در کنار پادشاهان بوده است، به صورت یک نماد سلطنتی درآمد و نشانه ای شد از شجاعت و قدرت (اتینگهاوزن، ۲۵۳۷، ۱۴). نیرومندی و ارجمندی شیر در سرزمین های دیگر نیز او را همسان شهریاران نشانده، از این رو شاهان بسیاری نام لئو، لوون، اسد، شیر یا ارسلان بر خود نهاده اند (کسروی، ۲۵۳۶، ۶). از دیرباز تا امروز مرسوم است که بر گور دلاوران درگذشته تندیس از شیر می نهند (تصویر ۱).

پوسنر نشان می دهد که مصریان در هنگام فرمانروایی هخامنشیان، یک حرف «ر» ویژه برای نگاشتن نام سرزمین های ایرانی - چون خوارزم یا باختر - و پادشاهان ایرانی (دو بار برای کورش، ۴۵ بار برای داریوش، ۴۳ بار برای خشایارشا، هفت بار برای اردشیر نخست و یک بار برای اردشیر سوم) به زبان هیروگلیف افزوده اند که به سان شیری نشسته است و هرگز در واژگان دیگر به کار نمی رود. از آنجایی که در هنگامه کاهش تسلط هخامنشیان، مصری ها از همان علامت همیشگی بهره برده اند باید این شیر را نشانه ای ایرانی و کاربرد آن را از سر بزرگداشت دانست (Posener, 1936). در شاهنامه به نشستن شیر بر پرچم ایران نیز اشاره شده: «یکی شیر پیکر درفشی به زر».

هنوز در باور عام شیر رمز شهریاری است، چونان که در خوابگذاری همواره شیر به شاه تعبیر می شود (دمیری، ۱۲۷۵، ۸).

۱-۲. شیر نگاهبان: در ورودی نیایشگاه های ایلامی تندیس هایی از شیر به نگهبانی ایستاده بودند (هینتس، ۱۳۷۶، ۶۴). ایشیوم پادشاه اووان در ۲۲۵۰ ق.م تندیس نارونته ایزدبانوی

پیروزی ایلامی را به نیایشگاه وی پیشکش کرده (تصویر ۲). او به شیوه سومریان لباس بلند پرچین (کاناکه) پوشیده و بر تختی نشسته که شش شیر آن را زینت می بخشند (آمی، ۱۳۴۹، ۴۷). رسم ایستادن یا نشستن خدایبانوان بر دوش شیر در خاور باستان آیینی کهن و آشنا بود. از ایلام میانه گردن آویزهای سنگی با نقش شیر باقی مانده که شاید طلسم حامی و نگهبان آنان بوده است (تصویر ۳).

۱-۳. شیر آسمانی (δ): شیر از دیرباز نمایانگر صورت فلکی اسد (امروزه مرداد) بوده است (مصفی، ۱۳۵۷، ۴۱). برج شیر را در آسمان گروه ستارگانی شکل داده اند که در کنار یکدیگر بسان شیری خیزان دیده می شوند (تصویر ۴). نماد این برج در اخترشناسی (δ) نیز چون شیری خمیده است. برج شیر طبیعی گرم دارد و در رابطه با خورشید و تابستان است.

۱-۴. شیر در آیین مهر: در میان هفت رده دین مهر، چهارمین جایگاه از آن شیر است (Clauss, 2000, 132). به سرشت آتشین شیر در اندیشه مهری نیز اشاره شده است. آب و آتش با یکدیگر مبارزه ای مدام و آشتی ناپذیر دارند. پس سالکانی که به جایگاه شیر رسیده اند برای شست و شوی بدن (غسل تعمید) خود به جای آب عسل به کار می برند (ورمانن، ۱۳۸۳، ۷۵).



تصویر ۱ - تندیس شیر، گورستانی در اینه.



تصویر ۷- لرستان.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۳- ایلامی.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۲- ایلامی.  
ماخذ: (موزه لوور)

مولانا نیز زمان را به گونه شیر توصیف می‌کند:  
یکی شیری همی بینم جهان پیشش گله‌ی آهو  
که من این شیر و آهو را نمی دانم نمی دانم  
زمین چون زن فلک چون شو خورند فرزند چون گربه  
من این زن را و این شو را نمی دانم نمی دانم  
اشاره مولانا به خورده شدن فرزند نیز اسطوره یونانی  
کرونوس خدای زمان را به یاد می‌آورد.



تصویر ۴- خدای شیرسر مهری.  
ماخذ: (موزه واتیکان)

در بسیاری از مهر‌آوه‌ها تندیس‌های از موجودی شیرسر یافت شده که ماری به دور او پیچیده است (تصویر ۴). از او در کتیبه‌ها ۴۴ نام آریمانوس یاد شده که شاید همان اهریمن باشد (Jack-son, 1985, 17). درحالی که برخی پژوهشگران او را آیون (زروان یا کرونوس) می‌دانند دیگران بر اهریمن بودن وی تکیه دارند (Barnett, 1975, 467). گرچه هویت راستین این انگاره هنوز در ابهام است اما بسیاری از مهرپژوهان او را با زمان و تغییر فصل‌ها مرتبط دانسته‌اند (Beck, 2004, 194).



تصویر ۹- لرستان.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۸- لرستان.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۱۰- مارلیک.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۵- جیرفت.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۱۱- حسنلو.  
ماخذ: (موزه بریتانیا)



تصویر ۶- ایلامی.  
ماخذ: (موزه لوور)

## ۲. شیر در آثار هنری ایرانیان باستان

از کهن ترین بازنمایی های شیر در هنر ایران می توان به آثار یافت شده از فرهنگ هلیل رود در جیرفت (۲۷۰۰ پ.م) اشاره کرد (تصویر ۵). شیر جیرفتی غران و تنومند است. از نیایشگاه اینوشوشیناک در شوش شیری نشسته بر یک سریر چرخدار یافت شده که یادآور شیران نگهبان ایلامی است (تصویر ۶). در یک سنگ نگاره پایه تختی که شاهدخت ایلامی بر آن نشسته از پنجه شیر است. تخت با پنجه شیر در خاور باستان نشانه ای شاهانه است.

یک تندیسک سنگی از نیایشگاه سرخدم لرستان (ابتدای هزاره نخست پ.م) شیری کمین گرفته را تصویر می کند. شیر در همین دوران بر روی سرتبرهای آیینی مفرغی لرستان (تصویر ۷)، دستبندهای مفرغی و لگام اسبان (تصویر ۸) نیز حضور دارد. بر روی یک تیردان مفرغی احتمالاً ایزدبانویی تصویر گردیده که تخت او بر دوش شیر قرار دارد (تصویر ۹). یک تکوک سیمین از کلماکره نیز با سر شیری غران آذین یافته. شمار نقش شیر بر آثار لرستان نشانگر ارجمندی این کهن الگو در اندیشه مردمان آن سامان است.

بازوبند زرینی از مارلیک (ابتدای هزاره نخست پ.م) با سر دو شیر خشمگین آذین یافته (تصویر ۱۰). در همین دوران شیر در عاج کندهای زیویه نیز دیده می شود. بر جام حسنلو دو شیر نقش شده، یکی خوابیده که اژدها و مردی بر دوش دارد و دیگری که ایزدبانویی را بر دوش خود نشانده. در آثار مفرغین حسنلو نیز شیر بارها تصویر گردیده (تصویر ۱۱).



تصویر ۴- هخامنشی.  
ماخذ: (موزه لوور)



تصویر ۱۶- هخامنشی.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۱۵- هخامنشی.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۱۷- هخامنشی.  
ماخذ: (موزه متروپولیتن)

بر دور جام زرین کلاردشت سه شیر چرخان دیده می شوند (تصویر ۱۲). در میانه هزاره نخست پ.م در شمال شرق ایران نیز شیر در آثار گنجینه پازیریک (تصویر ۱۳) حضور دارد. شیر از مهم ترین نمادهای هنر هخامنشی است. تخت شاه همواره پایه هایی بسان پنجه شیر دارد. تخت بزرگی که نمایندگان ساتراپی ها در سنگ نگاره های نقش رستم به دوش دارد نیز چنین است. بر دیوارهای آپادانای شوش یک ردیف شیر غران نقش شده اند (تصویر ۱۴). شیرهای سنگی نگهبان در پارسه نیز حضور داشته اند (تصویر ۱۵). شمشیر زرین شاهی دسته ای از سر دو شیر دارد (تصویر ۱۶) و زیباترین تکوک های هخامنشی از پیکر شیر شکل گرفته اند (تصویر ۱۷). رویارویی دو شیر خشمگین از نمادهای رایج این دوران است (تصویر ۱۸). در یک نمونه بسیار کمیاب سر دو شیر به هم پیوسته و یکی شده است (تصویر ۱۹). یک اثر مفرغی دیگر سه شیر چرخان و چسبیده به هم را تصویر می کند (تصویر ۲۰). شیرهای مفرغی کاربرد وزنه نیز داشته اند. یک نمونه یافت شده از ساتراپی لیدییه حدود ۲۱ کیلوگرم (نزدیک به یک تالنت بابلی) وزن دارد (تصویر ۲۱). شیر را بسان محافظ بر دستبندها، گردن آویزهای سنگی (تصویر ۲۲)، و آذین های لباس (تصویر ۲۳) دوران هخامنشی نیز می توان دید.



تصویر ۱۲- کلاردشت.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۱۳- پازیریک.  
ماخذ: (موزه هرمیتاژ)



تصویر ۲۱- هخامنشی.  
ماخذ: (موزه بریتانیا)



تصویر ۲۳- هخامنشی.  
ماخذ: (موزه بروکلین)



تصویر ۲۲- هخامنشی.  
ماخذ: (موزه متروپولیتن)



تصویر ۲۵- دروازه ایشتار.  
ماخذ: (موزه بریتانیا)



تصویر ۲۴- ایشتار.  
ماخذ: (موزه لوور)



تصویر ۱۸- هخامنشی.  
ماخذ: (موزه متروپولیتن)



تصویر ۲۶- اینانا.  
ماخذ: (دانشگاه شیکاگو)



تصویر ۱۹- هخامنشی.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۲۷- اور.  
ماخذ: (موزه پنسیلوانیا)



تصویر ۲۰- هخامنشی.  
ماخذ: (Curtis, 2005, 103)

### ۳. شیر در اندیشه و آثار هنری میانرودان باستان

شیر مرکب ایشتار خدایبانوی عشق و باروری اکدی (تصویر ۲۴) و نشانگر جنگاوری او بود (هال، ۱۳۸۰، ۶۲). بر دیوارهای خیابان منتهی به دروازه ایشتار در بابل شصت شیر تنومند صف کشیده بر کاشی به نگاهیانی ایستاده بودند (رو، ۱۳۶۹، ۱۹۱). و دروازه ورودی نیایشگاه را دو شیر سنگی بزرگ نگاهیانی می‌کردند (تصویر ۲۵). پیش از او سومریان خدایبانوی عشق و جنگاوری اینانا (نگاره ۲۶) و بابلیان کهن خدای هوا اداد را ایستاده بر پشت شیر می‌نگاشتند.

بابلیان صورت فلکی شیر را اورگولا (شیر بزرگ) نام داده بودند. قلب الاسد (Regulus) روشنترین ستاره این پیکر که در سینه آن جای گرفته برای آنان نشان پادشاهی بود و ستاره شاه نام داشت (White, 2008, 140).

شمس خدای خورشید بابلیان گاه به صورت شیر نمایش داده می‌شده است (Krappe, 1945, 150). اسرحدون پادشاه آشوری شیری سنگی به نیایشگاه شمش هدیه کرده است. شمش در اندیشه میانرودانی ساکن خورشید است، بعدها این خدا با خورشید یکی انگاشته می‌شود و واژه شمس در زبان عربی بازمانده این ترکیب است.



تصویر ۳۲- غلبه شیر بر نوبی.  
ماخذ: (موزه متروپولیتن)



تصویر ۳۱- آشور.  
ماخذ: (موزه ملی بغداد)



تصویر ۲۸- اور.  
ماخذ: (موزه پنسیلوانیا)



تصویر ۳۴- سحمت.  
ماخذ: (موزه کینهاگ)



تصویر ۳۳- سریر توت عنخ آمون.  
ماخذ: (موزه ملی قاهره)



تصویر ۳۵- سحمت.  
ماخذ: (لوکسور)



تصویر ۳۶- سقاره.  
ماخذ: (موزه لوور)



تصویر ۲۹- اور.  
ماخذ: (موزه لوور)



تصویر ۳۷- حلقه هورمهب.  
ماخذ: (موزه لوور)



تصویر ۳۰- بابل.  
ماخذ: (موزه لوور)

همین رخداد در ایران نیز قابل پیگیری است. میترا (میتره هر سپیده دم خورشید را با گردونه ای چهار اسبه به آسمان می آورد. در مهر یشت آمده: اوست نخستین ایزد مینوی که پیش از خورشید فناپذیر تیز اسب در بالای کوه هرا بر می آید (مهر یشت، کرده ۳، بند ۱۳). مهر یشت در نیایش مهر و خورشید برای خورشید نگاشته شده است. اما به تدریج مهر و خورشید را همسان پنداشته اند.

از گورستان پادشاهی اور (۲۶۰۰ پ.م) سردیسی سیمین از شیری با چشمان درخشان یافت شده (تصویر ۲۷). شیر بر روی چنگ اور نیز دیده می شود (تصویر ۲۸). از دوران اور III شیرهای کوچکی یافت شده که گویا به نگهبانی از نوشته ها ایستاده اند (تصویر ۲۹).

از بابل کهن (۱۸۰۰ پ.م) شیر غرانی در دست است که شاید نقش نگهبان نیایشگاه را داشته است (تصویر ۳۰).

از آشور کهن (حدود ۱۸۰۰ پ.م) تکوکی سفالین بسان یک شیر خشمگین باقی مانده است (تصویر ۳۱). آشوریان نقش شیر را در دیوارنگاره های خود بسیار به کار برده اند. سریرهای شاهانه آشوری نیز پایه هایی بسان پنجه شیر داشته اند. شیر از نقش های رایج در عاج کندهای آشوری است. از دوران نوآشوری (سده ۹ پ.م) وزنه هایی مفرغین به شکل شیر و به وزن ۱۵ مینا (هر مینا نزدیک یک کیلوگرم) به جا مانده است.



تصویر ۴- لیدی.  
ماخذ: (موزه فیتزویلیام کمبریج)

## ۵. شیر و خورشید

در اخترشناسی کهن برج شیر، خانه خورشید بوده است. زهره را خانه ثور و هم میزان

شمس را شیر و ماه را سرطان  
«خواجه نصیرالدین توسی»

چو بر زد سر از برج شیر آفتاب

ببالید روز و بپالود خواب  
«فردوسی»

و همانگونه که اشاره شد ارتباط گرمای برج شیر (میانه تابستان) و سرشت آتشین این برج با خورشید، و یا شاید حتی همسانی یال و کوپال شیر نر به پرتوهای خورشید بر استحکام این اندیشه افزوده است. از این رو شیر و خورشید بارها در کنار یکدیگر تصویر شده اند، تا جایی که می توان این انگاره را از مهم ترین نمادهای تاریخ ایران دانست، که دیرزمانی بر پرچم ایران زمین نیز جای داشته است. شیر و خورشید نیز در اندیشه ایرانی نماد شهریاری است، در شاهنامه آمیزش این دو همواره در اشاره به شاهان است:

«به رزم اندرون شیر پاینده ای»

به بزم اندرون شید تابنده ای»

«که در بزم دریاش خواند سپهر»

به رزم اندرون شیر خورشید چهر».

شیر و خورشید همیشه نشانه ای برگرفته از سکه های دوران اسلامی معرفی شده است (رک: کسروی، ۲۵۳۶). اما آغاز بهره از این نقشمایه به دورانی بس کهن تر بر می گردد که کمتر در ایران بدان اشاره شده است.

بر سنگ نگاره ای از کارکمیش آناتولی سده ۹ پ.م خدایان خورشید و ماه هیتیان بر پشت شیری بزرگ ایستاده اند (تصویر ۳۹).

بر نخستین سکه های تاریخ که در سده ۷ و ۶ پ.م در لیدییه ضرب شده اند سر شیری دیده می شود که خورشید بر آن نشسته است (تصویر ۴۰). این انگاره بر سکه های سده ۴ پ.م حکومت مازائوس در آناتولی به شیر و خورشید کامل تبدیل می گردد (تصویر ۴۱).

به نظر می رسد در هنر ایران نخست در پایان سده ۵ پ.م اردشیر دوم این نقش را به کار برده باشد (Suren-Pahlav)

## ع. شیر در اندیشه و آثار هنری مصر باستان

به نوشته پلینی، مصریان ستارگان صورت فلکی شیر را نیایش می کرده اند، زیرا طغیان نیل که کشاورزی بدان وابسته بود به هنگام ورود خورشید به این برج رخ می داده است (Hinckley, 1899, 253). شیر برای مصریان نیز نماد شهریاری بوده است. آنان پیروزی بر نوبیان دشمنان سنتیشان را با غلبه شیر بر سرباز نوبی نشان می داده اند (تصویر ۳۲). آهی بزرگ فرعون مصر، شیر فرزند خدای خورشید نامیده می شده است (Krappe, 1945, 150). سریرهای شاهانه مصر نیز پایه از پنجه شیر دارند. تخت زرین توت عنخ آمون (۱۳۰۰ پ.م) به جز این با سر دو شیر نیز آذین یافته (تصویر ۳۳).

سخمت (بست در مصر سفلی) نیرومندترین خدای جنگجو در اندیشه مصریان و نگاهبان فراغت در نبرد، بانویی با سر شیر بود. مصریان تندیس های بسیاری از سخمت ساخته و او را بر دیوار نیایشگاه ها نقش کرده اند (تصویر ۳۴). سخمت نیز بر روی سر خویش گرده خورشید دارد (تصویر ۳۵). او مادر ماهس خدای شیر سر جنگ بود (Lurker, 1987, 215).

در یک نگاره مصری خدایانو هاتور (یا شاید کادش) مثل ایزدبانوان ایرانی و میانرودانی بر پشت شیر تصویر شده است. شیران نگاهبانی نیز از آستانه گورستان های مصری یافت شده اند، از جمله نمونه ای از دوره هخامنشی در سقاره (تصویر ۳۶). از هورمهب فرعون مصر (۱۳۰۰ پ.م) حلقه ای زرین با نقش شیر باقی مانده (تصویر ۳۷)، انگشتری دیگری نیز با نقش شیر محافظ از تبس ۱۵۰۰ پ.م یافت شده (تصویر ۳۸).



تصویر ۳۸- تبس.  
ماخذ: (موزه متروپولیتن)



تصویر ۳۹- هیتی.  
ماخذ: (موزه شهرنشینی آناتولی آنکارا)

## ۶. شیر گاو اوژن

در اثر مهری از شوش هزاره سوم پ.م (تصویر ۴۳) گاوی ایستاده دست بر سر دو شیری که رو به او دارند نهاده و در کنارش شیری ایستاده دست بر پشت دو گاوی گذارده که پشت به او دارند. برخی این نگاره را نشانی از چرخش فصل‌ها دانسته‌اند. شاید تصویری از تابستان و زمستان که یکدیگر را در چرخه‌ای همیشگی پی می‌گیرند (هینتس، ۱۳۷۶، ۱۹۴).

در یک تندیس بی همتا که به نیمه هزاره دوم پ.م غرب ایران منسوب است موجودی با دو سر شیر و گاو دیده می‌شود (تصویر ۴۴). از کهن‌ترین نمونه‌های بن‌مایه یورش شیر به گاو می‌توان به سنگ نگاره‌های جیرفت اشاره کرد (تصویر ۴۵). در این آثار دو شیر در حال غلبه بر گاو دیده می‌شوند. این انگاره در شهاد نیمه هزاره ۳ پ.م نیز بر روی یک سرتیر مسین نقش گردیده است.

بر کاسه‌ای سنگی از شوش، در دوران ایلام میانه شیر و گاو رو به هم ایستاده و آماده نبردند (تصویر ۴۶). همین نگاره بر روی یک جام مفرغین لرستان (ابتدای هزاره نخست پ.م) نیز دیده می‌شود (تصویر ۴۷).

ظرفی سیمین از سده ۸ پ.م (شاید از قالیچی) شیر را در حال دریدن گاو تصویر کرده (تصویر ۴۸). همزمان همین نگاره بر روی یک پلاک زینتی زرین از کردستان نیز دیده می‌شود (تصویر ۴۹).

شیر گاو شکن در هنر هخامنشی قداست آشکاری دارد، چونان که ۲۷ بار در پارسه نقش گردیده است. این نگاره را می‌توان در آویزهای زینتی هخامنشی (تصویر ۵۰) و بافته‌های گنجینه پازیریک نیز باز یافت.

در هنر میانرودان نیز نقش شیر گاو اوژن رایج است. این بن‌مایه را می‌توان بر یک جام از اوروک (تصویر ۵۱)، یک آویز زینتی سومری (تصویر ۵۲)، عاجی سنگ نگاری شده

(2006). بر اثر مهری که از شمال شرقی دریای سیاه یافت شده، اردشیر دوم - تنها شاه هخامنشی که در کتیبه اش پس از هورامزدا، ایزدان کهن میترا و آناهیتا را نیز نیایش می‌کند - در برابر ایزدبانو آناهیتا به نیاز ایستاده است (تصویر ۴۲). این اثر مهر را دیگر پژوهشگران متعلق به حکومت های آنتولی پس از هخامنشی می‌دانند (Collon, 1987, 432)، اما در ایرانی بودن بن‌مایه شکی نیست.

بغبانو به رسم کهن شرقی بر پشت شیری ایستاده و هاله‌ای از پرتوهای خورشید او را در بر گرفته است. این نگاره شاید آغازی بر نشستن خورشید بر دوش شیر در هنر ایرانی باشد. در هنر هزاره نخست پ.م همواره بر ران شیرها مهرانه (گردونه مهر) یا سوآستیکا دیده می‌شود که شاید اشاره‌ای دیگر به ارتباط شیر و خورشید باشد. از جمله بر جام‌های عمارلو، حسنلو و کلاردشت.



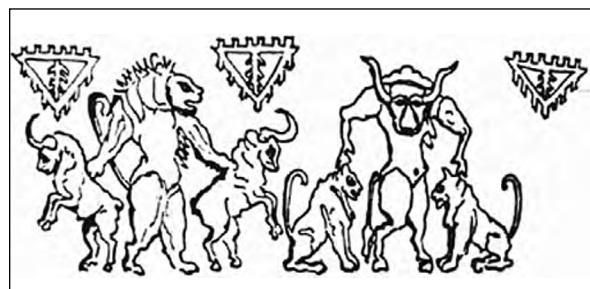
تصویر ۴۱- مازائوس.  
ماخذ: (موزه کمبریج)



تصویر ۴۲- هخامنشی؟.  
ماخذ: (موزه بریتانیا)



تصویر ۴۴- غرب ایران.  
ماخذ: (موزه کلیولند)



تصویر ۴۳- شوش.  
ماخذ: (هینتس، ۱۳۷۶، ۱۹۵)



از گورستان شاهی اور (تصویر ۵۳) و نیز بر عاج کندهای نوآشوری (تصویر ۵۴) دید.

این نقشمایه در یونان نیز از حدود ۵۰۰ پ.م به گونه تندیس (تصویر ۵۵) یا نگاره بر روی آموغراهای سفالی آشکار می‌گردد. سکه کروزیوید که توسط کرزوس شاه لیدی در میانه سده ۶ پ.م ضرب می‌شود با نقش سر شیر و گاو آذین شده (تصویر ۵۶). این نگاره دو سده پس از آن بر روی سکه‌های حکومت مازائوس کامل تر می‌شود (تصویر ۵۷).

برای شیر گاو شکن پژوهشگران تفسیرهای بسیار آورده‌اند. آن را نماد آغاز کار کشاورزی پس از پایان سرما دانسته‌اند (بیکرمن، ۱۳۸۴، ۵۶). یا نبرد شاه با نیروهای مخالفی که زیر بار قدرت شاهانه نمی‌رفته‌اند (بویس، ۱۳۷۴، ۱۸۶). و یا پیروزی نیروی نیکی بر نیروی اهریمنی (گریشمن، ۱۳۷۱، ۱۵۷). بوسانی گاوکشی مهر را نیز بازمانده از همین انگاره نبرد شیر و گاو می‌داند (اولانسی، ۱۳۷۹، ۵۲).

جدال شیر و گاو در هنر اسلامی ایران چنان ریشه مند است که گاه تشعیر را به نام این بن مایه، «گرفت و گیر» می‌نامند. گاو و شیر باب آغازگر کلیله و دمنه است که با غلبه شیر بر گاو پایان می‌یابد (نصرالله منشی، ۱۳۵۱، ۵۹ - ۱۲۲). و رد آن را در ادب پارسی می‌توان بارها پی گرفت: گاو دوشای عمر بدخواهش بره خوان شیر گردون باد «ابوالفرج رونی»

گاه قربان تو این معنی حمل با ثور گفت کاش این منصب مرا گشتی مسلم یا تورا «جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی»  
خاقانی نیز به جدال شیر و گاو در نوز اشاره دارد:  
مانا که اندر این مه، عیدیست آسمان را کاهیخت تیغ و آمد بر گاو، قرصه خور

نباید بر این پندار باشیم که انگاره شیر گاو اوژن در همه فرهنگ ها معنایی یگانه دارد. اما در مورد نمونه های هخامنشی دو تفسیر دیگر را نیز پیشنهاد می‌کنیم:

اگر بپذیریم که شیر در فرهنگ ایرانی نماد خورشید و گاو نماد ماه بوده است در این صورت می‌توان پیروزی شیر بر گاو را اشاره ای به دمیدن خورشید پس از پایان تاریکی دانست. سپیده دم در اندیشه، ادبیات و دین های ایرانی همواره ارج نهاده شده است و برترین نیایش شبانه روزی (در میتراپیسم، دین زرتشت و حتی اسلام) نماز سحرگاهی است.

از سوی دیگر گاو از دیرباز نمایانگر صورت فلکی ثور (امروزه اردیبهشت) بوده (مصفی، ۱۳۵۷، ۱۵۳). دو هزار سال پیش، خورشید در آغاز بهار بیشتر از زمینه صورت فلکی ثور (گاو) می‌گذشت. ولی امروز بیشتر از زمینه صورت فلکی حمل (بره) می‌گذرد (اکرمی، ۱۳۸۰، ۲۹).

در حقیقت در هزاره نخست پ.م، خورشید در فروردین در برج گاو خانه داشته است. اگر ارتباط شیر با خورشید را بپذیریم، می‌توان نشستن شیر بر پشت گاو را رمزی از ورود خورشید به برج ثور و رسیدن نوروز در سرزمین ایران دانست. از این رو نقش کردن این نگاره در پارسه که جایگاه برپایی جشن نوروز بوده است بایسته می‌نماید.



تصویر ۴۵- جیرفت.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۴۶- شوش.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۴۸- قالیچی؟.  
ماخذ: (موزه میهو توکیو)



تصویر ۴۷- لرستان.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۴۹- کردستان.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۵۰- هخامنشی.  
ماخذ: (موزه لوور)



تصویر ۵۵- یونان.  
ماخذ: (موزه متروپولیتن)



تصویر ۵۲- سومر.  
ماخذ: (رضی، ۱۳۷۱، ۵۶)



تصویر ۵۱- اوروک.  
ماخذ: (Strommenger, ۱۹۶۲: ۲۶)



تصویر ۵۷- مازائوس.  
ماخذ: (موزه کمبریج)



تصویر ۵۶- لیدی.  
ماخذ: (موزه فیتز ویلیام کمبریج)



تصویر ۵۴- آشور.  
ماخذ: (Hermann, 1986: 694)



تصویر ۵۳- اور.  
ماخذ: (موزه پنیسلوانیا)

## نتیجه

شیر یافت می‌شوند. در این نوشتار برخی از نگاره‌های پرشمار شیر در فرهنگ‌ها و سبک‌های هنری ایرانی گرد آمده‌اند. مصریان نیز خدایانوی جنگاور شیرسر، سخمت را می‌پرستیده‌اند. شیر آسمانی نشان تابستان است و سرشتی آتشین دارد. امروزه شیر با مرداد ماه همزمان است. در اخترشناسی برج شیر، خانه خورشید است و این دو چنان در هم می‌آمیزند که نقش شیر و خورشید به نماد شاهنشاهی ایران بدل گشته بر سکه و پرچم ایران می‌نشینند. شیر گاو شکن را نماد آغاز کشاورزی، پیروزی شاه بر دشمنان، غلبه نیکی بر اهریمن و... دانسته‌اند. آن را می‌توان نشانه‌ای از سپیده دم یا نوروز نیز دانست.

شیر در اندیشه مردمان خاور باستان نماد شهریاری و دلاوری است، چونان که نامش بر بسیاری از شاهان نهاده شده. نمادی سلطنتی و نشانه‌ای از شجاعت و قدرت. مصریان از سر بزرگداشت، نام‌های هخامنشی را با نگاره شیر می‌نوشته‌اند و شاهنامه اشاره به نشستن شیر بر درفش ایران دارد. تندیس شیر بر گورها نشانه دلاوری فرد درگذشته است. سریر ایزدانوان بر دوشش و تخت شاهان بر پنجه اش استوارند. شیر بر در نیایشگاه‌ها به نگاهبانی می‌ایستد و نقش‌کنده شده بر سنگش چون نیرویی محافظ به گردن آویخته می‌شود. شیر نماد رده چهارم آیین مهر است و در مهر آوه‌ها تندیس خدای رمز آلودی با سر

## فهرست منابع

توس، تهران.  
بیکرمن، هنینگ و دیگران (۱۳۸۴)، علم در ایران و شرق باستان، همایون صنعتی زاده، قطره، تهران.  
دمیری، کمال الدین محمد بن موسی (۱۲۷۵)، خواص الحیوان، چاپ سنگی، دکه عبدالحسین عباس فریدنی اصفهانی، تبریز.  
رضی، هاشم (۱۳۷۱)، آیین مهر یا میترا ایسم، بهجت، تهران.  
رو، ژرژ (۱۳۶۹)، بین‌النهرین باستان، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، آبی، تهران.  
عبدالرزاق اصفهانی، جمال الدین (۱۳۶۲)، دیوان، به تصحیح مجتبی

آمیه، پیر (۱۳۴۹)، تاریخ ایلام، شیرین بیانی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.  
اتینگهاوزن، ریچارد (۲۰۳۷)، قالدچه‌های شیری فارس، پرویز تناولی و سیروس پرهام، سازمان جشن هنر، تهران.  
اکرمی، موسی (۱۳۸۰)، گاهشماری ایرانی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.  
اولانسی، دیوید (۱۳۷۹)، پژوهشی نو در منشاء میتراپرستی، مریم امینی، چشمه، تهران.  
بویس، مری (۱۳۷۴)، تاریخ کیش زرتشت، ج ۲، همایون صنعتی زاده،

potamien, München: Hirmer Verlag.

Suren-Pahlav, Shapour (2006), *The Circle of Ancient Iranian Studies* (CAIS), www.cais-soas.com.

Watters, Joanna (2003), *Astrology for today*, London: Carroll & Brown.

White, Gavin (2008), *Babylonian Star-lore*, London: Solaria Publications.

مینوی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۹۶۸)، شاهنامه متن انتقادی، چاپ مسکو.

کسروی تبریزی، احمد (۲۵۳۶)، تاریخچه شیر و خورشید، چاپ رشدی.

گریشمن، رمان (۱۳۷۱)، هنر ایران (در دوران ماد و هخامنشی)، عیسی بهنام، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

مصطفی، ابوالفضل (۱۳۵۷)، فرهنگ اصطلاحات نجومی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، تبریز.

نصرالله منشی، ابوالمعالی (۱۳۵۱)، کلیله و دمنه، به تصحیح مجتبی مینوی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

ورمان، مارتین (۱۳۸۳)، آیین میترا، بزرگ نادرزاد، چشمه، تهران.

هال، جیمز (۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره نمادها در هنر شرق و غرب، رقیه بهزادی، فرهنگ معاصر، تهران.

هینتس، والتر (۱۳۷۶)، دنیای گمشده ایلام، فیروزه فیروزه‌نیا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۸)، انسان و سمبولهایش، محمود سلطانی، جامی، تهران.

Barnett, R. D. (1975), *Mithraic studies: proceedings of the first International congress of Mithraic studies*, John R Hinnells. ed., Vol II. Manchester University Press.

Beck, R. (2004), *Beck on Mithraism: collected works with new essays*, Aldershot: Ashgate.

Clauss, Manfred (2000), *The Roman Cult of Mithras: The God and his Mysteries*, N Y: Routledge.

Collon, D. (1987), *First Impressions: Cylinder Seals in the Ancient Near East*, London: The British Museum Press.

Curtis, John, Nigel Tallis (2005), *Forgotten Empire, The World of Ancient Persia*, London: The British Museum Press.

Goblet d'Alviella, Eugène, comte (1894), *The migration of symbols*, London: A. Constable and Co.

Herrmann, Georgina (1986), *Ivories from Room SW 37 Fort Shalmaneser. Ivories from Nimrud IV*. London: British School of Archaeology in Iraq.

Hinckley, Richard Allen (1899), *Star Names: Their Lore and Meaning*, New York: Dover.

Jackson, Howard M. (Jul., 1985), The Meaning and Function of the Leontocephaline in Roman Mithraism in *Numen*, Vol. 32, Fasc. 1.

Krappe, Alexander H. (Jul. - Sep., 1945), The Anatolian Lion God, *Journal of the American Oriental Society*, Vol. 65, (No. 3).

Lurker, Manfred (1987), *Dictionary of Gods and Goddesses, Devils and Demons*, N Y: Routledge.

Posener, G. (1936), *La premiere domination perse en Egypte*, Bibliotheque d'etude 11.

Strommenger, Eva (1962), *Fünf Jahrtausende Meso-*